



قواعد فقه سیاسی

روح الله شریعتی



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.ketab.ir

## قواعد فقه سیاسی

روح الله شریعتی

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
- ویراستار: ایوب زارعی
- لیتوگرافی و چاپ: باقری
- چاپ اول: تابستان ۱۳۸۷
- شمارگان: ۱۴۰۰
- قیمت: ۵۵۰۰ تومان
- عنوان: ۷۷؛ مسلسل: ۱۱۱

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، خیابان شهیداء (صفائیه)، کوچه آمار، پلاک ۴۲  
تلفن و دورنگار: ۷۸۲۲۸۳۳، پخش: قم ۷۸۲۲۸۳۴؛ تهران ۵-۰۳-۸۸۹۴۰۳  
ص.پ: ۲۸۵۸/۲۷۱۸۵، کدپستی: ۱۶۴۳۹-۳۷۱۵۶  
وب سایت: [www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)  
پست الکترونیک: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

شریعتی، روح الله، ۱۳۴۷-

قواعد فقه سیاسی / روح الله شریعتی؛ [نهی و تدوین] پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. - قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

ص. ۴۶۴

ISBN: 978-964-2636-76-1

۵۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه، ص [۴۰۷] - ۴۲۶؛ همچنین بصورت زبرنویس.

نمایه.

۱. علوم سیاسی (فقه). ۲. اسلام و سیاست. ۳. اسلام و دولت. الف. دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه

سیاسی. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۷۹

ش ۹ / ص ۱۹۸ / ۶ BP

۱۳۸۷



# فهرست

سخنی یا خواننده ..... ۱۳

مقدمه ..... ۱۷

## بخش اول: کلیات

فصل اول: مباحث مقدماتی ..... ۲۵

الف) مفاهیم ..... ۲۵

۱- مفهوم فقه سیاسی ..... ۲۵

۲- مفهوم قواعد فقه ..... ۲۸

۳- مفهوم قواعد فقه سیاسی ..... ۳۰

ب) جایگاه قواعد فقه در علم فقه ..... ۳۱

ج) جایگاه قواعد فقه سیاسی در حکومت و سیاست ..... ۳۵

د) اهداف و فواید قواعد فقه سیاسی ..... ۳۵

ه) پیدایش و نگارش قواعد فقه ..... ۳۷

۱- مرحله پیدایش ..... ۳۸

۲- مرحله نگارش ..... ۴۰

۳- پیشینه قواعد فقه سیاسی ..... ۴۶

و) تقسیمات و تعداد قواعد فقه سیاسی ..... ۴۸

ز) منابع قواعد فقه سیاسی ..... ۵۱

ح) اجرای قواعد فقه سیاسی ..... ۵۶

فصل دوم: عرف و قواعد فقه سیاسی ..... ۵۹

- ۱- تعریف واژه عرف ..... ۶۰
- ۲- پیشینه عرف ..... ۶۱
- ۳- کاربرد عرف در فقه ..... ۶۱
- ۴- طرق کاربرد عرف در فقه ..... ۶۳
- ۵- حجیت عرف ..... ۶۴
- ۶- ادله و مستندات حجیت عرف ..... ۶۷
- ۷- عرف و قواعد فقهی ..... ۶۸

### بخش دوم: عرصه‌های قواعد فقه سیاسی

- مقدمه ..... ۷۵
- فصل اول: قواعد عام ..... ۷۶
- قاعدهٔ اهم و مهم (تقدیم اهم بر مهم) ..... ۷۶
- الف) مفاد قاعده ..... ۷۶
- ب) ادله و مستندات ..... ۷۷
- ج) گستره قاعده ..... ۷۹
- د) کاربرد قاعده ..... ۸۰
- قاعده رجوع به خیره (کارشناس) ..... ۸۴
- الف) مفاد قاعده ..... ۸۵
- ب) ادله و مستندات ..... ۸۵
- ج) گستره قاعده ..... ۸۶
- د) کاربرد قاعده ..... ۸۷
- قاعده ملازمه بین حکم عقل و شرع ..... ۸۸
- الف) مفاد قاعده ..... ۸۸
- ب) مستندات قاعده ..... ۹۲
- ج) گستره قاعده ..... ۹۴
- د) کاربرد قاعده ..... ۹۵
- قاعده ضرورت (اضطرار) ..... ۹۹
- الف) مفاد قاعده ..... ۱۰۰
- ب) ادله و مستندات ..... ۱۰۱

۱۰۶	ج) گستره قاعده
۱۰۸	د) کاربرد قاعده
۱۰۹	قاعده ضرورت به مقدار نیاز
۱۱۰	الف) مفاد قاعده
۱۱۰	ب) ادله و مستندات
۱۱۱	ج) گستره قاعده
۱۱۲	د) کاربرد قاعده
۱۱۳	قاعده قرعه
۱۱۳	الف) مفاد قاعده
۱۱۴	ب) مستندات
۱۱۶	ج) گستره قاعده
۱۲۰	د) کاربرد قاعده
۱۲۲	قاعده لاضرر
۱۲۲	الف) مفاد قاعده
۱۲۸	نقد و تحلیل
۱۳۱	ب) دلایل و مستندات
۱۳۳	ج) گستره قاعده
۱۳۶	د) کاربرد قاعده
۱۴۰	فصل دوم: قواعد فقه سیاسی در عرصه سیاست
۱۴۱	قاعده عدم ولایت بر غیر
۱۴۱	الف) مفاد قاعده
۱۴۲	ب) دلایل و مستندات
۱۴۸	ج) گستره قاعده
۱۵۰	د) کاربرد قاعده
۱۵۵	قاعده مساوات (عدم تبعیض)
۱۵۶	الف) مفاد قاعده
۱۵۷	ب) دلایل و مستندات
۱۶۲	ج) گستره قاعده
۱۶۸	د) کاربرد قاعده
۱۷۰	قاعده شورا

۱۷۰	الف) مفاد قاعده
۱۷۲	ب) دلایل و مستندات
۱۷۶	ج) گستره قاعده
۱۸۰	د) کاربرد قاعده
۱۸۳	قاعده مصلحت
۱۸۳	الف) مفاد قاعده
۱۸۶	ب) دلایل و مستندات
۱۹۱	ج) گستره قاعده
۱۹۵	د) کاربرد قاعده
۱۹۸	قاعده تقیه
۱۹۹	الف) مفاد قاعده
۲۰۰	ب) دلایل و مستندات
۲۰۳	ج) گستره قاعده
۲۰۸	د) کاربرد قاعده
۲۱۲	قاعده نفی سبیل
۲۱۳	الف) مفاد قاعده
۲۱۳	ب) دلایل و مستندات
۲۲۰	ج) گستره قاعده
۲۲۳	د) کاربرد قاعده
۲۲۶	قاعده حرمت کمک به گناه و تجاوز
۲۲۶	الف) مفاد قاعده
۲۲۷	ب) دلایل و مستندات
۲۳۱	ج) گستره قاعده
۲۳۵	د) کاربرد قاعده
۲۳۸	فصل سوم: قواعد فقه سیاسی در عرصه اجتماعی
۲۳۸	قاعده عدالت
۲۴۰	الف) مفاد قاعده
۲۴۱	ب) دلایل و مستندات
۲۴۵	ج) گستره قاعده
۲۴۷	د) کاربرد قاعده
۲۵۱	قاعده حفظ نظام

۲۵۲	الف) مفاد قاعده
۲۵۶	ب) دلایل و مستندات
۲۵۹	ج) گستره قاعده
۲۶۲	د) کاربرد قاعده
۲۶۶	قاعده وفای به عقود
۲۶۷	الف) مفاد قاعده
۲۶۷	ب) ادله و مستندات
۲۶۹	ج) گستره قاعده
۲۶۹	د) کاربرد قاعده
۲۷۲	قاعده نفی عسر و حرج
۲۷۲	الف) مفاد قاعده
۲۷۳	ب) دلایل و مستندات
۲۷۵	ج) گستره قاعده
۲۷۷	د) کاربرد قاعده
۲۸۰	قاعده وجوب تعظیم شعائر الهی و حرمت اهانت به آنها
۲۸۰	الف) مفاد قاعده
۲۸۱	ب) دلایل و مستندات
۲۸۴	ج) گستره قاعده
۲۸۷	د) کاربرد قاعده
۲۹۰	قاعده تعاون
۲۹۰	الف) مفاد قاعده
۲۹۱	ب) دلایل و مستندات
۲۹۲	ج) گستره قاعده
۲۹۳	د) کاربرد قاعده
۲۹۵	قاعده تقدم ولايت خاصه بر ولايت عامه
۲۹۵	الف) مفاد قاعده
۲۹۷	ب) ادله و مستندات
۲۹۹	ج) گستره قاعده
۲۹۹	د) کاربرد قاعده
۳۰۱	قاعده (اصل) دعوت
۳۰۱	الف) مفاد قاعده

۳۰۲	..... (ب) ادله و مستندات
۳۰۵	..... (ج) گستره قاعده
۳۰۶	..... (د) کاربرد قاعده
۳۰۹	..... قاعده تألیف قلوب
۳۰۹	..... (الف) مفاد قاعده
۳۱۰	..... (ب) ادله و مستندات
۳۱۱	..... (ج) گستره قاعده
۳۱۴	..... (د) کاربرد قاعده
۳۱۶	..... قاعده جُبه
۳۱۶	..... (الف) مفاد قاعده
۳۱۷	..... (ب) دلایل و مستندات
۳۲۰	..... (ج) گستره قاعده
۳۲۳	..... (د) کاربرد قاعده
۳۲۵	..... قاعده الزام
۳۲۵	..... (الف) مفاد قاعده
۳۲۶	..... (ب) ادله و مستندات
۳۲۸	..... (ج) گستره قاعده
۳۳۲	..... (د) کاربرد قاعده
۳۳۴	..... قاعده درء
۳۳۴	..... (الف) مفاد قاعده
۳۳۵	..... (ب) مستندات قاعده
۳۳۷	..... (ج) گستره قاعده
۳۳۸	..... (د) کاربرد قاعده
۳۳۹	..... قاعده تویی و تبری
۳۳۹	..... (الف) مفاد قاعده
۳۴۱	..... (ب) دلایل و مستندات
۳۴۳	..... (ج) گستره قاعده
۳۴۴	..... (د) کاربرد قاعده
۳۴۶	..... فصل چهارم: قواعد فقه سیاسی در عرصه اقتصاد
۳۴۶	..... قاعده سلطنت
۳۴۷	..... (الف) مفاد قاعده



۳۴۷	.....	ب) دلایل و مستندات
۳۴۹	.....	ج) گستره قاعده
۳۵۳	.....	د) کاربرد قاعده
۳۵۶	.....	قاعده احسان
۳۵۶	.....	الف) مفاد قاعده
۳۵۷	.....	ب) دلایل و مستندات
۳۵۹	.....	ج) گستره قاعده
۳۶۰	.....	د) کاربرد قاعده
۳۶۱	.....	قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم»
۳۶۱	.....	الف) مفاد قاعده
۳۶۲	.....	ب) دلایل و مستندات
۳۶۳	.....	ج) گستره قاعده
۳۶۳	.....	د) کاربرد قاعده
۳۶۵	.....	قاعده سوق المسلمین
۳۶۵	.....	الف) مفاد قاعده
۳۶۶	.....	ب) دلایل و مستندات
۳۶۷	.....	ج) گستره قاعده
۳۶۸	.....	د) کاربرد قاعده
۳۷۰	.....	فصل پنجم: قواعد فقه سیاسی در عرصه امنیتی - نظامی
۳۷۰	.....	قاعده حرمت جان مسلمان
۳۷۰	.....	الف) مفاد قاعده
۳۷۱	.....	ب) دلایل و مستندات
۳۷۳	.....	ج) گستره قاعده
۳۷۴	.....	د) کاربرد قاعده
۳۷۶	.....	قاعده احترام مال و عمل مسلمان
۳۷۶	.....	الف) مفاد قاعده
۳۷۷	.....	ب) دلایل و مستندات
۳۷۷	.....	ج) گستره قاعده
۳۷۸	.....	د) کاربرد قاعده
۳۷۹	.....	قاعده امان
۳۷۹	.....	الف) مفاد قاعده

۳۸۰	.....	(ب) دلایل و مستندات
۳۸۱	.....	(ج) گستره قاعده
۳۸۳	.....	(د) کاربرد قاعده
قاعده مصونیت سفرا (سفرای کشورهای غیراسلامی)		
۳۸۴	.....	(الف) مفاد قاعده
۳۸۵	.....	(ب) ادله و مستندات
۳۸۷	.....	(ج) گستره قاعده
۳۸۸	.....	(د) کاربرد قاعده
۳۸۹	.....	قاعده (اصل) صلح
۳۸۹	.....	(الف) مفاد قاعده
۳۹۱	.....	(ب) ادله و مستندات
۳۹۴	.....	(ج) گستره قاعده
۳۹۴	.....	(د) کاربرد قاعده
۳۹۶	.....	قاعده مقابله به مثل
۳۹۶	.....	(الف) مفاد قاعده
۳۹۷	.....	(ب) ادله و مستندات
۳۹۹	.....	(ج) گستره قاعده
۴۰۲	.....	(د) کاربرد قاعده
۴۰۴	.....	خلاصه سخن
۴۰۷	.....	کتاب نامه
۴۲۹	.....	نمایه
۴۲۹	.....	آیات
۴۳۴	.....	روایات
۴۳۸	.....	اصطلاحات
۴۵۶	.....	اشخاص
۴۶۰	.....	کتاب
۴۶۱	.....	معصومین
۴۶۳	.....	اماکن

## سخنی با خواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی بود. این ایده، در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان، و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به‌طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و معضلات، بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روش‌مند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توان‌مندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید را در دوران معاصر به ارمغان می‌آورد. بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی بسی سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را برعهده دارند و از سویی دیگر، به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به‌عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بازتولید فرهنگ سیاسی-دینی و ارائه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین هدف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و اراده ملی برای نوسازی تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهش‌گر فرهیخته آقای روح‌الله شریعتی با هدف استفاده بیشتر و روان‌تر از منابع فقه سیاسی برای رسیدن به گزاره‌ها و احکام سیاسی صحیح و مطلوب، مستندسازی گزاره‌ها و احکام موجود و بازسازی و یکسان‌سازی آنها انجام شده است.

این تحقیق به دنبال آن است تا قواعد فقه سیاسی را با زبانی ساده برای قانون‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان حکومتی از یک‌سو و عموم دانش‌پژوهان فقه سیاسی از سوی دیگر تبیین کند که این امر گامی برای پیشرفت و عملی‌تر کردن آن قواعد نیز به‌شمار می‌رود. بدون تردید یکی از امتیازات این پژوهش توجه وافی به کاربرد این قواعد در فقه سیاسی است.

بی‌تردید، اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه فقه سیاسی حجة الاسلام والمسلمین دکتر منصور میراحمدی، ارزیابان محترم حجج اسلام آقایان سید محمدرضا موسویان، سید نادر علوی، علی خالقی و متصدیان اجرایی پژوهشکده به ویژه مدیر محترم امور پژوهشی آقای رجبعلی اسفندیار می‌باشد که جای دارد از زحمات و تلاش‌های آنان

قدردانی به عمل آید. هم چنین از حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدتقی سبحانی ریاست سابق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد مبلغی ریاست محترم پژوهشگاه و جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدحسن نجفی قائم مقام محترم پژوهشگاه تشکر می‌کنم که بدون حمایت‌ها و مساعدت‌های بی دریغ و مؤثرشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، در راستای ترویج علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده، پیشاپیش از انتقادات و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب نظران و پژوهش‌گران محترم استقبال می‌کند. امید است این اثر در رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و زمینه‌های گسترش فقه سیاسی اسلام مؤثر باشد.

دکتر نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

## مقدمه

بیان احکام شرعی مکلفین بر عهده علم فقه است و فقیه فردی است که با استنباط از منابع شرعی به طور مستدل حکم الهی را در عرصه‌های مختلف عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، نظامی - امنیتی و غیره بیان می‌کند و تمامی مکلفین اعم از افراد، گروه‌ها، مؤسسات، حاکمیت‌ها و کارگزاران و به طور کلی همه اشخاص حقیقی و حقوقی موظف به پیروی از آن احکام می‌باشند. ارجاع به فقهای جامع‌الشرائط و آگاه به زمان به خصوص در حوادث واقعه توسط ائمه اطهار، علاوه بر آن که گویای پویایی شریعت و زنده بودن آن در اعصار و امصار مختلف است، وظیفه فقیه جامع‌الشرائط را در پاسخ‌گویی به این نیاز جامعه نیز نشان می‌دهد. پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام علاوه بر این راه، راه دیگری را نیز به تصریح و اشاره برای دریافت حکم الهی بیان داشته‌اند که در آن، تنها اصول و قواعدی کلی برای انطباق جزئیات بر آنها بیان شده است. در این روش، فقیه در کشف و تبیین قاعده، و مکلف در انطباق آن با موضوعات جزئی دست به دست یکدیگر داده، در دست‌یابی به حکم شرعی تسریع بیشتری می‌بخشند. در این روش، فقیه حکم جزئیات و موضوعات خاص را بیان نمی‌کند، بلکه تنها به تبیین قواعدی کلی می‌پردازد که با هر یک، حکم ده‌ها یا صدها موضوع روشن می‌گردد. این

قواعد از ادله و منابع شرعی به دست می‌آید و در اختیار مکلفین قرار داده می‌شود. چه این‌که امامان وظیفه خویش را بیان اصول و قواعد کلی، و وظیفه مکلفین را تطبیق موضوعات جزئی با آن اصول برای دست‌یابی به حکم الهی دانسته‌اند: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع». برخی از فوایدی که بر این روش مترتب است عبارت‌اند از: دست‌یابی سریع و آسان مکلف به حکم الهی بدون رجوع به مجتهد؛ پاسخ‌گویی به ده‌ها یا صدها موضوع و مسئله فقهی با تأسیس قاعده‌ای کلی؛ متحدالشکل کردن و تثبیت مقررات حاکم بر جوامع اسلامی؛ پیش‌گیری از وقوع معضلات و بحران‌هایی که در اثر تأخیر در دست‌یابی به حکم الهی ممکن است ایجاد شود و فواید دیگری که در این مختصر نمی‌گنجد و همه ضرورت بحث از قواعد فقهی، به‌خصوص قواعد فقه سیاسی را نمایان می‌سازد.

فقه سیاسی به‌عنوان یکی از عرصه‌های فقه، وظیفه پاسخ‌گویی به احکام مکلفین اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در این عرصه را دارد و روشن است که اشخاص حقیقی (افراد) در زندگی سیاسی خویش به‌ویژه در ارتباط متقابل با حاکمیت دارای احکام، حقوق و تکالیفی هستند، هم‌چنان‌که اشخاص حقوقی (گروه‌ها، احزاب و جمعیت‌ها، حاکمیت‌ها، سازمان‌ها و غیره) در روابط متقابل با یکدیگر و مردم احکام، حقوق و تکالیفی دارند و فقه سیاسی موظف به تبیین دیدگاه شریعت در تمامی این موارد است و بی‌شک، فقیه جامع‌الشرائط و آگاه به زمان که به استنباط احکام الهی در عرصه سیاست می‌پردازد، موظف است قواعد فقه سیاسی را کشف کرده، پس از تبیین صحیح معنا و مفهوم و قلمرو آنها، برای انطباق جزئیات موضوعات و مسائل سیاسی با آنها قواعد مزبور

را در اختیار مکلفین اعم از مردم و کارگزاران نظام اسلامی قرار دهد و با بیان درست قاعده و تشریح تقدم و تأخر قواعد در صورت تراحم، مکلفین را از حیرت بازدارد.

گفتنی است چون فقه سیاسی پاسخگوی حوادث واقعه است و موضوعات آن در گسترهٔ زمان از بویایی، تغییرات و تحولات خاصی برخوردار است که این تحولات غالباً همراه با معضلات و پیچیدگی‌های زیادی می‌باشد، لذا تسریع در پاسخ‌گویی به معضلات زمانه لازم و ضروری است و می‌توان ادعا کرد که کارآیی قواعد فقهی در این عرصه بیش از عرصه‌های دیگر فقه است و به یقین، حل معضلات فقه سیاسی به وسیله قواعد فقه سیاسی بهترین روش به‌شمار می‌آید، را که خصیصه‌های سرعت، سهولت و عدم نیاز به واسطه در دستیابی به حکم الهی که از ویژگی‌های این قواعد است، مکلف اعم از فرد یا حاکمیت - را در راه‌یابی مناسب و به موقع به حکم شرعی راهنمایی می‌کند. این قواعد علاوه بر فواید و آثار یاد شده چارچوب‌هایی را نیز برای فقه سیاسی ایجاد می‌کند که این چارچوب‌ها به همسویی و یک‌سان‌سازی روابط حاکمان و مردم کمک شایانی می‌کند.

در مجموع، باید گفت امری که در راستای قواعد فقه سیاسی متوجه فقیهان است، کشف قواعد از منابع فقه و سپس تبیین و توضیح صحیح آن و بیان قلمرو و مواردی از کاربرد قواعد در عرصه فقه سیاسی است تا حاکمان، اندیشوران و قانون‌گذاران با معنا و مفهوم، قلمرو و کاربرد قواعد آشنا شده، بتوانند از آن درست و مناسب استفاده کنند. قانون‌گذاران و حاکمان نیز موظف‌اند با بهره‌مندی از دانش دانشمندان و فقیهان، قواعد مزبور را به صورت مواد و اصول قانونی



درآورده، برای اجرا در اختیار کارگزاران و مردم قرار دهند. به علاوه، مرجع صلاحیت‌داری متشکل از فقها و کارشناسان مختلف تشکیل دهند تا به تفسیر قوانین فوق پرداخته و از برداشت‌ها و تفسیرهای مختلفی که معلول کلیت قانون است، جلوگیری کنند. گفتنی است که نمی‌توان قواعد فقه سیاسی را در قواعدی محدود خلاصه کرد، چرا که فقه سیاسی پاسخ‌گوی حوادث واقع است و به مرور زمان موضوعات مورد ابتلا متحول شده و فهم فقیهان نیز از منابع فقه و قواعد فقهی بیشتر می‌شود. از این رو، می‌توان ادعا کرد که برخی از قواعد فقه سیاسی به تدریج در آینده از منابع فقه کشف می‌شوند و نیز ممکن است برخی از قواعد فقهی که امروزه از آنها با عنوان قواعد غیرسیاسی یاد می‌شود در آینده کاربردی سیاسی یافته، در شمار این قواعد قرار گیرند، بدین جهت فقیهانی که به دنبال پاسخ‌گویی به حوادث زمانه هستند لازم است همواره به دنبال کشف قواعدی در این راستا نیز باشند.

به هر حال، در این اثر سعی کرده‌ایم برخی از قواعد فقه سیاسی را تبیین نماییم. در بخش اول، به کلیاتی در مورد قواعد فقه سیاسی پرداخته شده است. در فصل اول این بخش، مباحث کلی در ارتباط با قواعد فقهی به‌ویژه قواعد فقه سیاسی، و در فصل دوم ارتباط عرف و قواعد فقهی بیان شده است. گفتنی است از آنجا که عرف از سویی، به‌عنوان یکی از منابع قواعد فقهی و از سوی دیگر، به‌عنوان قاعده‌ای مستقل که در فقه سیاسی نیز کاربردهایی دارد به‌شمار می‌آید، از این رو به‌طور مستقل مورد بحث قرار گرفته است.

در بخش دوم با عنوان عرصه‌های قواعد فقه سیاسی، به تشریح یک‌یک قواعد پرداخته شده است و در هر قاعده چهار امر یعنی مفهوم قاعده، ادله و

مستندات قاعده، گستره و قلمرو قاعده و در نهایت کاربرد قاعده در فقه سیاسی بررسی می‌شود و در بحث از کاربرد قاعده در فقه سیاسی سعی شده برداشت‌ها و استنباط‌های سیاسی فقیهان از قواعد مزبور مدنظر قرار گیرد. در این بخش، توزیع قواعد طی تقسیم‌بندی منطقی صورت گرفته و ابتدا قواعد به قواعد عام و خاص تقسیم شده است و بر همین اساس در آغاز قواعد عام بررسی شده و سپس قواعد خاص در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی - امنیتی مورد بررسی قرار گرفته است؛ البته این تقسیم موضوعی در برخی موارد به دلیل دوپهلو بودن برخی از قواعد ممکن است دچار اشکالاتی شود که به همین دلیل جانب غلبه موضوعی هر قاعده نگریسته شده است، ولی از آن‌جا که در بحث از قواعد هدف اصلی ما تبیین یکایک قواعد بوده نه تقسیم‌بندی آنها، لذا به این امر توجه چندانی نشده است؛ البته در بحث از تقسیمات قواعد به تقسیماتی اشاره شده که به تفصیل از این تقسیم نیز سخن به میان آمده است.

گفتنی است در ابتدای هر قاعده به منابعی برای مطالعه بیشتر خواننده در مورد آن قاعده اشاره شده که برخی از آن‌ها صرفاً بُعد فقهی قاعده را دنبال کرده‌اند و برخی دیگر به ابعاد سیاسی آن نیز پرداخته‌اند. علاوه بر این، به قواعدی که مرادف یا در ارتباط با آن قاعده‌اند، نیز با ذکر مأخذ اشاره شده است. هم‌چنین در صفحه آغازین بسیاری از قواعد، سخنی از امام خمینی به‌عنوان فقیهی سیاسی که به تاسیس حکومتی اسلامی اقدام کرده، در ارتباط با آن قاعده آمده است.

در پایان، متذکر می‌شوم از آن‌جا که این اثر شاید اولین اثری باشد که به‌طور

مستقل درباره این موضوع به نگارش درآمده، نقص‌ها و کاستی‌هایی دارد، لذا از تمامی دانشورانی که در این عرصه مطالعه و تحقیق می‌کنند، تقاضا دارم حقیر را از راهنمایی‌های خویش بهره‌مند سازند. در این جا از مساعدت‌های بی‌دریغ اساتید و دوستانم آقایان دکتر نجف لک‌زایی، دکتر منصور میراحمدی، محسن مهاجرنیا، محمدرضا موسویان، علی خالقی و کسانی که به‌نحوی در نگارش کتاب نقش داشته‌اند به‌ویژه همسر و فرزندان عزیزم که صبورانه مشکلات را به جان خریدند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. در پایان، این نوشته که حاصل تلاش بیش از دو سال مؤلف است را به روان پاک امام خمینی احیاء کننده فقه سیاسی در عصر جدید و به روح پرفتوح استاد ارجمندم مرحوم آیت الله حاج شیخ یحیی سلطانی که با بیان قلم و رفتار، فقه سیاسی را به من آموخت تقدیم می‌کنم. امید است که پروردگار بزرگ همگان را مشمول لطف و رحمت خویش قرار دهد.

روح الله شریعتی